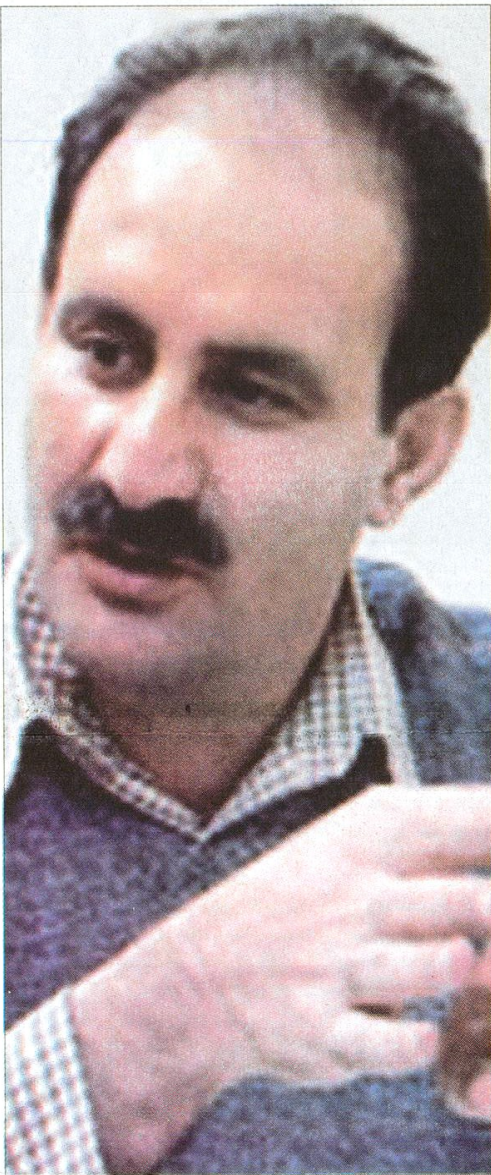


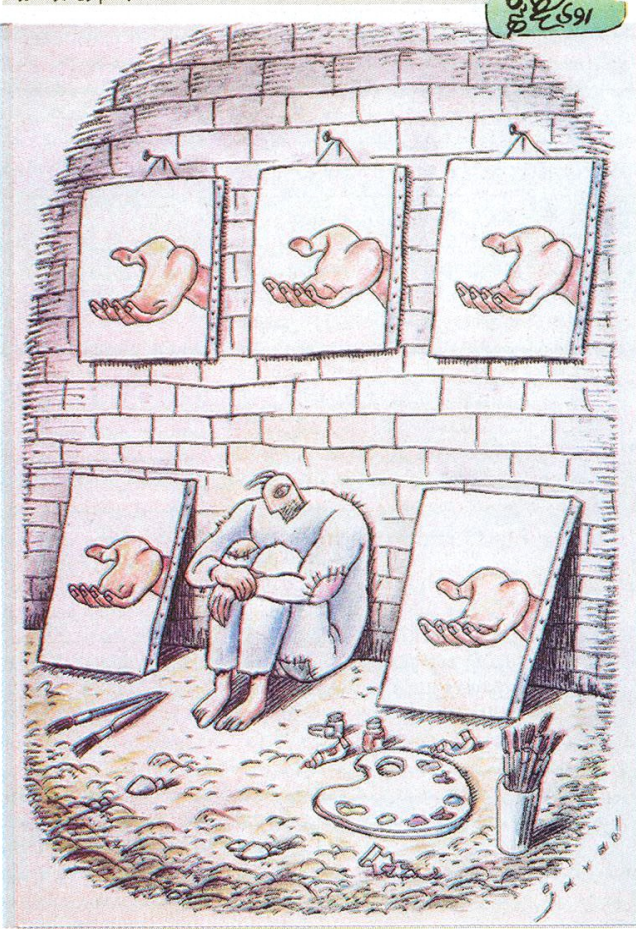
نفس گیر

نظر سنجی

آقای کرباسچی:	نسخه ماندلا
تهران مدرن	تاچر:
هیلا ری کلیتون:	مثل همه سیاستمداران انگلیسی
آخ که اگر نشه چی می شه	بی نظیر بوتو:
اوباما	بی نظیر
آخ که اگر بشه چی می شه	آقای شکوری:
مهاجرانی:	شیخ صریح اللهجه
دفاع جانانه در استیضاح	آقای خاتمی:
علی لاریجانی:	سنگ صبور
معقول و منطقی	آقای کربوی:
ماندلا	حافظه تاریخی
نهایت ایثار	آدام اسمیت:
بن لادن:	دست نامرئی
بمب	آقای حق شناس:
خانم ابتکار:	ممیزی
زنی که می خواهد محل زندگی مان پاکیزه تر باشد	بیل گیتس:
مرکل:	پول و ابتکار
سیاستمدار	راکفلر:
گاندی	فیلم های گانگستری، اولین های مافیا



به قلم بوی: جواد علوزاده



زدن یک عدد شاخه گل به سر ملت خیلی سخت است؟

خب هر گلی یک بویی دارد و هر گلی هم یک جنسی. بستگی دارد که چه جور گلی بخواهی بزنی. خب بعضی ها این روزها گل کاکتوس می زنند به سر ملت و بعضی هم گل محمدی، گل های دیگر هم هست که اول باید انتخاب شان کنی و بعد بزنی، مثل گل یاس که خوش بو هم هست و البته به صرفه، بعضی گل ها هم خیلی گران در می آید و نزدن شان بهتر از زدن شان است ولی خب شاید خیلی ها الان این گل ها را دوست دارند و از پس پول دارند قیمت هیچ گلی برای شان مهم نیست حتی گل هایی که از خاور دور و نزدیک می آید.

چرا کمتر کسی پیدا می شود؟

نفرمایید، الان خیلی ها دارند هم یک گلی به سر خودشان می زنند و هم یک گلی به سر ملت. ولی خب این گل ها شاید بیشتر به سر خودشان برانده است تا مردم!

شما چه گلی خواهید زد؟

این روزها زدن حتی یک شاخه گل به سر مردم هنر می خواهد. چون برای این که بخواهی گلی به سر کسی بزنی باید اول آن گل را بجینی، گلهای هم که نمی دانم چرا خارهای شان این همه زیاد شده و حتی دورشان سیم خار دار هم کشیده شده. این روزها برای این که بخواهی گلی به سر کسی بزنی باید ریاضی هم بلد باشی و بتوانی پول نفت را درست و صحیح حساب کنی، این قدر خوب بتوانی حساب کنی که به این گزاره درست دست پیدا کنی که اجاره یک خانه ۶۰ متری در تهران چقدر می شود و گوجه فرنگی در زمستان و تابستان کیلویی چند است. این که منحنی تورم را چگونه زیر خط فقر ببری که بتوان با حقوق کارمندی و کارگری زندگی کرد. خلاصه سعی می کنم که اگر تاج گل سر کسی نمی گذارم تاج خار هم نگذارم.

در آستانه انتخابات خوب می شود حرف زد، خودمان را می گویم! موافقید خیلی چیز بگویم؟
خب: حرف زدن در ایام انتخابات مثل یک لوکوموتیو می ماند که مسیر دادن به آن و شتاب آن دست خود شما است، در ایام انتخابات (از هر نوعش) می توان خوب حرف زد، اما اگر خوب حرف نزنی و هر چیزی که دلت خواست بگویی و از بد حادثه برنده انتخابات هم بشوی آن وقت است که شتاب و مسیر آن قطار از دست شما خارج

می شود و خدا نکند که به سر پایینی برسی؟

پس چه بهتر که کم بگویی و گزیده، اما واضح و مبهرن است که انتخابات آزمون بزرگی برای رقابت سالم افراد و گروه ها است تا عاقلانه ترین و سودمندترین برنامه ها و سیاست ها را تهیه کنند و بر اساس این برنامه ها و نظریات عینی و عاقلانه و اجرایی، بتوانند با نفوذ بیشتر در فکر و ذهن و قلب مردم، آرای بیشتری به دست آورده و با قدم گذاشتن در مسیری روشن و شفاف و عینی، برای پیاده کردن برنامه های شان تلاش کنند. پس از این منظر می توان گفت که حضور مردم در انتخابات به ویژه انتخابات مجلس به طور مستقیم بر سرنوشت شان تاثیر می گذارد.

فرض کنیم شما الان خیلی مقام بالایی هستید. یک اقتصاد ملی مان را چگونه می پزید؟

خب فرض محال که محال نیست، پس به قول شما من یک مقام خیلی بالایی هستم، اما مقامات خیلی بالا کاتب دارند، آشپز دارند، خدم و حشم دارند و خیلی چیزهای دیگر. اما من که یک مقام خیلی بالایی هستم و به تازگی توسط شما به این مقام رسیده ام، هنوز خودم را کم نکرده ام و فعلا رابطه ام را با مردم و به ویژه بدنه کارشناسی قطع نکرده ام، پس برای پختن کیک به بزرگی و اهمیت یک اقتصاد ملی به تنهایی هیچ کاری از دستم بر نمی آید. حتی مقام بالایی مثل من! پس چه باید کرد؟ معتقدم باید فائوسی به دست گرفت و در کوی و برزن دنبال کارشناسان و اقتصاد دانانی گشت که روزگاری در سازمان مدیریت و برنامه ریزی ادغام شده کاری می کردند و آنها را پیدا کرد و نازشان را کشید و از آنها خواش کرد آستین های شان را بالا بزنند و کمک کنند این کیک را بپزیم. البته لازم است از اقتصاد دانان با تجربه و کار کشته خانه نشین شده هم دعوت کرد که به آشپزخانه ما بیایند و تهیه یک قسمتی از این کیک را به عهده بگیرند. مطمئن باشید که چون با این روش تعداد از دو نفر بیشتر می شود این کیک نه شور می شود و نه بی مزه. در تانی آن که با دو آشپز شور و یا بی نمک می شود آش است نه کیک.

چه آشی، چه کشکی؟

به هر حال هر کیک که پخته شود به ویژه اگر کیک اقتصاد ملی هم باشد با هر طعم و رنگ و کیفیتی، آش کشک خاله شما و من و همه شهروندان به شمار می رود (توضیح: چون این کیک یک کیک ملی است، پس خاله همه ملت را در بر می گیرد) پس این جوری نیست که بگوییم من نمی خواهم بخورمش، چون چه بخوری و چه نخوری هزینه اش به تو هم بر می گردد. پس بیا و در انتخابات شرکت کن و به کسی رای بده که اگر خودش آشپزی بلد نیست دست کم چهار تا آشپز قابل سراغ دارد و این آش را... ببخشید کیک را، دست کم به شرایط و امکانات و از همه مهم تر معذوریت ها و محدودیت ها خوشمزه تر می پزد. کیک که نباید شور باشد.

شما الان همان مقام بالا هستید. در چه حوزه ای کوچک سازی می کنید؟

اولا تشکر می کنم از این که شما دائم اهمیت ما را به ما گوشرد می کنید و یادمان می اندازید که ما چقدر مهم هستیم و چه مقام بالایی هستیم. اما مقام بالایی مثل ما، اعتقاد دارد در مورد جایی مثل دولت، کوچک زیباست. پس سعی می کنیم دولت را کوچک و در نتیجه آن را زیبا کنیم.

متناسب سازی در چی؟

قبلا ذکر این توضیح را ضروری می دانم که کوچک کردن دولت خیلی زور می خواهد پس با عنایت به این که ما مقام بالایی هستیم، اگر هم تشد دولت را زیبا کنیم پس این انشا را می نویسیم درباره فواید کوچک سازی دولت. می دانید که دولت بزرگ ترین مجری در سطح کلان جامعه است و این بزرگ به جای نظارت و هدایت کارها با در اختیار گرفتن منابع مادی و نیروی انسانی فراوان خود را غرق در تشکیلات عظیمه ای کرده است که برای اداره امور جاری کشور باید به آنها بپردازد. غافل از این که با قرار دادن بسیاری از کارهای اجرایی در اختیار بخش خصوصی می تواند از حجم مشغله و تورم کارهای اجرایی خود بکاهد و به افزایش رضایت مندی نیروهای انسانی و افزایش کیفیت خدمات رسانی در سطح خرد و کلان کمک شایانی کند.

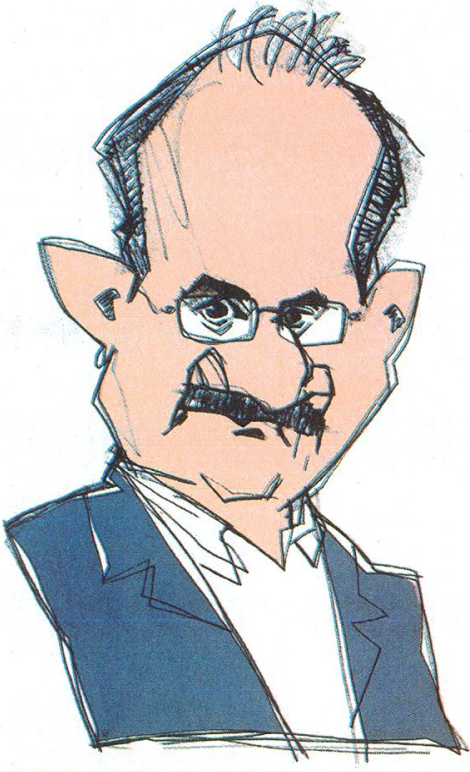
یک دولت بزرگ که زیبا نیست بر اساس طبیعت یک قدرت بزرگ در همه کارها دخالت می کند و بدیهی است

وحید محمودی:

تاج خار نمی گذارم!

[مهناز عادل]

info@toppogh.com



کاریکاتور: مهناز عادل/اعتدالی

این مصاحبه به ضربتی ترین شکل ممکن گرفته شد و رفت برای چاپ، به همین بهت آوری که گفتیم. نزد دکتر محمودی کلی بدقول شدیم بابت جریانات ضربتی ایر و پاد و مه و خورشیدی که این وسط اتفاق افتاد و دکتر وحید محمودی در نهایت رفتاری مبتنی بر اخلاق و تواضع بشدت همه را می مان کردند، به کوبندگی هر چه تمازت. دکتر محمودی اقتصاد دانی صاحب نظر است که حرف حساب های زیادی برای گفتن داشت. دنبال بفرمایید.

وقتی دولت در همه امور دخالت کند، حضور مردم در اداره کشور کم رنگ می شود، حضور نداشتن مردم در اداره امور کشور مانع بزرگی در راه توسعه یافتگی محسوب می شود. اما یکی از مشکلات دولت بزرگ، افزایش هزینه های جاری و عدم امکان پرداخت حقوق و مزایای کافی برای کارکنان است. کاهش اندازه دولت آن را قادر می سازد که بتواند حقوق و مزایای کارکنان خود را متناسب با هزینه های زندگی پرداخت کند و بدین ترتیب انگیزه آنها را برای ارائه خدمات بیشتر افزایش دهد.

همچنان همان مقام بالا هستید. آزاد سازی را از چی آغاز می کنید؟
زیبا کردن دولت، بخوانید کوچک کردن آن کاری است بسی توان فرسا و دشوار و مقام خیلی مهمی مثل ما هم شاید از پس آن بر نیایم؛ البته چون خیلی مقام بالایی هستیم شاید بتوانیم. شما هم که قائل به اهمیت ما هستید، بنابر این سراغ برنامه چهارم توسعه و سند چشم انداز ۲۰ ساله می رویم و در جهت کوچک کردن دولت، دگرگونی در نظام بودجه ریزی، کاهش حداقل ۲۰ درصد از پست های مدیریت و سرپرستی و غیره اقدام می کنیم.

اوباما بهتر است یا هیلاری؟
می گویند نمی گذارند اوباما رئیس جمهور شود. شما بگویید کدام بهتر است؟
حرف حسابتان چیست کلا؟
مردم را در پیایید.

ما مردم را در پیایم؟ شما و کیلید!
با اجازه بزرگ تر ها شاید وکیل بشویم.
چرا داوطلب نمایندگی مردم شده اید؟
کسی من را هل نداد، فقط ثبت نام کردم.

اگر مجلس باید وکیل مردم باشد، وکیل دولت چی می شود؟
از مجلس هفتمی ها سوال کنید!
معمولا در چه اتفاقی فکر می کنید؟
این روزها چیزی که زیاد است اتاق، اما اتاقی که یک خط اینترنت پر سرعت داشته باشد برای فکر کردن ایده آل است.

در خانه ملت چه می کنید؟
رق و فتق از نوع نظارتی
گفته بودید طنز تاریخ این است که چهره های اقتصادی مجلس هفتم منتقد دولت شده اند و می گویند دولت با سیاست های اقتصادی غلط خود جامعه را به سمت بیماری می برد و در قامت اپوزیسیون سیاست هایی را نقد می کنند که خودشان تجویز کرده و از آن دفاع کرده اند! در خصوص اینها که عرض می کنم هم یک طنز تاریخی بگویید به همین کوبندگی:

- ۱۵۰ میلیون نفر از خانم های کشور در طرح امنیت اجتماعی به عنوان فساد اخلاقی مورد تذکر قرار گرفتند دست کم در روزهای انتخابات تذکر ها کم می شود.
- مقامی گفته است گاهی خانمی با وضعیتی ویژه به سمت مامور گشت حرکت میکند، در حالی که چند دوربین وی را تحت نظر دارد و به گونهای رفتار میکند که به طور حتم مامور پلیس به او تذکر دهد و در این میان بدون معطلی شروع به جیغ کشیدن و فریاد زدن میکند. همان شب آنتن بیگانه این تصاویر جیغ زدن را پخش می کند!

به کیش خودمان است.
- ایران قدرت اول جهان است.
آرزو بر جوانان عیب نیست.
- نفت خوردنی نیست.
بو هم می دهد.

توسعه اقتصادی:
آنچه کسی به فکرش نیست.
ناوبری:
نان چه بوی خوبی دارد.
خط فقر:

.....
.....
.....
.....

آنچه گذشت

این گفت و گو نفس مان را بند آورد.

دلیش در لید ذکر شد.

دیگر نفس نداریم وگرنه یک چیزی می خواستیم بگویم!

service@toppogh.com

روابط عمومی سرویس تپ

تنها خطی که متحول نشده، خط فقر است.
سوء تغذیه:

وقتی که همه چیز گران می شود.

ناوبری جنسیتی:

تنها عیبی که برابری دارد این است که همه میخواهند با بالا تر از خود برابر شوند.

ناوبری درآمدی:

هر روز بیشتر از دیروز

اندازه گیری فقر:

برای اندازه گرفتن آن در شرایط حاضر متر کافی نیست.

مخارج خانوار:

چیزی که اشک را سینه خیز از گونه پایین می فرستد.

درآمدهای نفتی:

زرخیزترین سرزمین، سرزمین زرگرها است.

سیاست های اصل ۴۴:

همه می خواهند اجرایش کنند ولی کی و چگونه، والله اعلم.

توسعه انسان محور:

گفتم غم تو دارم

برای ناخدایی که به پندر مقصد نمی اندیشد هیچ بادی موافق نیست:

بعضی وقت ها چاره کار فقط سونامی است و پس، ساختار دولت:

به حدی بزرگ است که می توان در کتاب رکوردهای گینس ثبت کرد.

ترم اندیشگی:

نرم نرم مثل سوهان؛ آن هم از جنس سوهان روح توانمندسازی اقتصاد ملی:

واژه ای محجور در کشور ما

خصوصی سازی:

برادر تنی اصل ۴۴

آب و نون:

آیت نبود، نونت نبود، نماینده شدنت چی بود؟

اجاره خانه:

این اجاره ها فقط کرم خیم می کند.

گران شدن کیت کت:

بچه های بیچاره

گرانی برنج:

مشکلات کشاورزان مازندارانی و گیلانی خسارت دیده از سرمای زمستان

گرانی خروس قندی:

اگر وضع اقتصاد بدتر بشود، کاربرد بیشتری پیدا می کند. رفاه اقتصادی:

مدال طلا را کسی به دست آورد که در طول مسابقه بیش از همه برتره شده بود.

قابلیت:

جامعه مثل آب نمک است. شنا کردن در آن بد نیست اما بلش و حشحات است.

نظریات نوین توسعه چند من؟

مشکلاتی که از وجودش بی خبر بوده ایم را به روشی که نمی فهمیم حل می کنند.

آدم دموکراسی و حقوق بشر را حل کند راحت تر است یا پیچیدار؟

بیچاندن هر چیزی یعنی دوزن مساله و دوزن هم که کار راحتی است.

چالش ها را با چی بررسی می کنید؟

با چالش جدید، تا آن یکی به ارسئو خطرات برود و این یکی به...

دشمن می گویند انتخابات به طرزی مهندسی شده که عملا شرکت با عدم شرکت در آن تاثیر چندانی ندارد. شما یک چیزی بگویید؟

از سردار افشار رئیس ستاد انتخابات بپرسید.

خدایش، سالی چند بار جرات می کنید با ناوگان هواپیمایی کشور پرواز کنید؟

خیلی کم

از چی بیشتر از هواپیما می ترسید؟

نمی دانم چرا یاد توپولوف افتادم.

با چی تفریح می کنید؟

باور کنید ورزش خیلی خوب است.

بزرگترین درس و عبرتی که تا حالا گرفته اید از چی بوده است؟

شاید آخر این انتخابات بگیرم.
بدترین اشتباهی که تا حالا کرده اید چه بوده است؟
هنوز مطمئن نیستم، بستگی به بزرگ ترین درس عبرت دارم.

بازمه ترین خاطره از دانشگاه؟

یک روز دانشجویی به من مراجعه کرد و گفت مصاحبه شما را در روزنامه هم مبین خواندم و بسیار خوشم آمد و آن را چندین بار خواندم و حفظ شده است. چند روز بعد که امتحان پایان ترم از دانشجویان گرفتم ایشان در پاسخ به سوالاتی که هیچ ربطی به مصاحبه نداشت خط به خط متن مصاحبه را نوشته بود! بعد از ازش سوال کردم چرا این کار را کردید؟ گفت حیف آمد این کار روانکنم!

کتاب محبوبتان؟

توسعه به مثابه آزادی

نویسنده شاعر/شخصیت تاریخی

امارتیا سن شهریار/امیر

الان در این برهه تاریخی مهم ترین پیام نان چیست؟
فرستادن تعداد کمی نماینده به مجلس هشتم هم مغتنم است.

می خواهید نماینده بشوید که چی؟

که اگر بگذارند خدمتی به مردم بکنیم.

یک شعار انتخاباتی بدهید.

فقر کسی است که حق انتخاب ندارد.

به چیزی یک انگ بزنید.

اهل این کار نیستم.

بازمه ترین شخصیت سیاسی حزب اعتماد ملی کیست؟

شیخ اصلاحات

خوب ترین خوابی که برای کشورمان دیده اید چیست؟

دادن ۵۰ هزار تومان به هر ایرانی بود که خواب نیم ساعته آقای کروی دودش کرد!

بازمه ترین تیر یکی که خوانده اید؟

مصاحبه آقای الهام که انشالله پست هاش زیاد تر شود.

از قای الهام بپرسید شیروی شما کیست؟
بدترین تپقی که زده اید؟

خوب ترین آن مصاحبه با صفحه تپق روزنامه اعتماد ملی